

## رفتارهای فرهنگی ما مهندسی می‌خواهد



مشکلات فرهنگی دست از سر جامعه ایرانی برنمی‌دارد و در هر حوزه‌ای از زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی که مشکلی در میان باشد و ریشه‌یابی شود، نارسایی‌های فرهنگی پای ثابت آن است.

جام جم آنلاین: مشکلات فرهنگی دست از سر جامعه ایرانی برنمی‌دارد و در هر حوزه‌ای از زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی که مشکلی در میان باشد و ریشه‌یابی شود، نارسایی‌های فرهنگی پای ثابت آن است.

حتما شنیده‌اید که در روز بارها هنگام راه رفتن، رانندگی، کارکردن و حتی حرف زدن همدیگر را به #171 بی‌فرهنگ بودن» متهم می‌کنیم؛ هرچند اطلاق این صفت یک اشتباه رایج است، اما با این نارسایی‌های فرهنگی در رفتار روزانه چه باید کرد؟

از عادات فردی گرفته تا خدمات اداری و از روابط خانوادگی تا شوون زندگی شهروندی مشکلات فرهنگی آشکار قابل مشاهده است و گویا هر جا پای فرهنگ در میان باشد، آسیبی در پی آن می‌آید. شاید بتوان این‌طور گفت که فرهنگ در جامعه ما به بستر نابسامانی‌ها، کج رفتاری‌ها، زبان‌های مادی و معنوی، عقب‌ماندگی‌ها و... تبدیل شده است. اگر گمان می‌کنید در این باره اغراق می‌شود نگاهی به فرهنگ ترفیخی بیندازید. پس از چند دهه سلطه خودروها و موتورسیکلت‌ها بر معابر شهری هنوز رعایت قوانین ساده برای خودروها و رانندگان و گذاشتن کلاه ایمنی از سوی راکبان موتورسیکلت‌ها جا نیفتاده و به فرهنگ‌سازی نیاز دارد. البته مشکلات فرهنگی بسیار فراگیرند و متأسفانه مسیر ارتقای فردی و توسعه اجتماعی را در جامعه معاصر ایرانی به اشکال مختلف سد می‌کنند.

### فرهنگ زندگی

فرهنگ در معنای عام کلمه تعاریف متعددی دارد و به صورت مجموعه‌ای از نگرش‌ها، انگیزه‌ها و الگوهای رفتاری تصویر می‌شود که براساس آن بتوان کنش و واکنش افراد جامعه در موقعیت‌های مختلف را پیش‌بینی کرد، با این حال هر مقوله رفتاری در دنیای امروزی به صورت خاص نیز ابعاد فرهنگی مشخصی دارد که در همان حوزه تعریف می‌شود و منشأ اثر است. برای مثال فرهنگ استفاده از تلفن همراه، وسایل عمومی و... که در مجموع بخشی از هویت اجتماعی و گروهی اقشار مختلف را شکل می‌دهد و به نمایش می‌گذارد.

فرهنگ‌پذیرها به هر دلیلی با فرهنگ‌های جدید کنار می‌آیند و آن را الگوی خود قرار می‌دهند و خوب و بد آن را در نظر نمی‌گیرند. در مقابل همه این اقشار، فرهنگ‌زده‌ها قرار دارند که در برخی حوزه‌های زندگی نسبت به سایر فرهنگ‌ها بدبین هستند و به اشکال مختلف از پذیرش یک فرهنگ جدید سرباز می‌زنند. این دسته نقش فرهنگ را قبول ندارند و با فرهنگ‌های جدید مقابله می‌کنند.

با این حال مشخصه بومی فرهنگ زندگی در ایران، بی‌توجهی به ضرورت‌های فرهنگی و نپذیرفتن آنها حتی در صورت معقول بودن است. برای مثال دوباره می‌توان به فرهنگ رانندگی اشاره کرد که رعایت آن با جان و مال افراد سروکار دارد، ولی نادیده گرفته می‌شود و رعایت آن تنها در حضور پلیس و از ترس جریمه صورت می‌گیرد و نه برای حفظ ایمنی.

### بسترهای فنی

مهندسی فرهنگی در سال‌های اخیر واژه‌ای پرکاربرد است، اما فقط برای ما آشناست. در مقابل اغلب از موانع پیش‌روی مهندسی فرهنگی در حوزه‌های مختلف سخن می‌گویند و این که رفع این مشکلات بنیادین به برنامه جامع، عزم عمومی، همت همه اقشار و... نیاز دارد.

نکته: چندی پیش در شهر زوریخ، فردی به دلیل بیرون انداختن زباله از خودرویش به جریمه سنگین مالی محکوم شد، این نشان می‌دهد فرهنگ‌سازی در بیشتر کشورهای پیشرفته با پشتوانه‌های قاطع قانونی همراه است هنگامی که پای فرهنگ‌سازی حتی برای ساده‌ترین و عادی‌ترین مسائل پیش می‌آید، نبود بسترهای مناسب، ناکارآمدی عملکردها، موازی‌کاری، رویکردهای سلیقه‌ای و... اصل موضوع را به حاشیه می‌برد و ملغمه‌ای از کج رفتاری‌ها و ضعف‌ها را پیش رو می‌گذارد. اغلب مواقع بسترها و امکانات فنی برای فرهنگ‌سازی در یک حوزه مشخص وجود ندارد و عموم مردم به این نتیجه می‌رسند کسانی که دم از تغییر و اصلاح می‌زنند با واقعیات متن جامعه بیگانه‌اند.

نقش پشتوانه‌های قانونی در حوزه فرهنگسازی در جامعه ما اغلب ضعیف‌تر از آنچه واقعا می‌تواند باشد، در نظر گرفته می‌شود. رعایت مناسبات و شوون شهروندی و فرهنگسازی در اغلب کشورها و شهرهای توسعه‌یافته با پشتوانه‌های قانونی قاطع همراه است.

چند سال پیش در شهر زوریخ در کشور کوچک سوئیس، بیرون‌انداختن تکه‌ای زباله از خودرو توسط یک شهروند به جریمه مالی سنگین و اخراج وی به همراه خانواده‌اش از شهر منجر شد. در بسیاری از کشورها حتی در شرق دور، انداختن زباله یا آب دهان در اماکن عمومی جریمه نقدی در پی دارد و رعایت‌نکردن اصول اولیه رانندگی در معابر نظیر عبور از چراغ قرمز با توقیف گواهینامه و محرومیت طولانی از امکان رانندگی همراه است. البته درباره پشتوانه قانونی باید به تناسب آن با پذیرش فرهنگی و امکانات فنی موجود توجه داشت و گرنه دوزدن قانون و شکل‌گیری تخلف‌های جورواجور در حاشیه آن اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. همان‌طور که نمی‌توان با توصیه و نصیحت فرهنگسازی کرد، تحکم نیز به زورگویی تعبیر می‌شود و راه به جایی نمی‌برد.

#### میراث مخرب

مقوله فرهنگ‌زدگی را نباید دست‌کم گرفت. فرهنگ‌زدگی اغلب میراث سال‌ها پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی، بی‌اعتمادی‌ها، ناکارآمدی‌ها، رعایت‌نکردن‌ها، نادیده‌گرفتن‌ها و... است و براحتی و برای مثال با چند بخشنامه یا اصلاحات قانونی برطرف نمی‌شود. فرهنگ‌زدگی می‌تواند بی‌فرهنگی را بسادگی و حتی به شیوه‌های عقلانی توجیه کند و رعایت اصول فرهنگی را موضع ضعف قرار دهد. برای مثال اگر به یک شهروند زباله‌پراکن گفته شود چرا زباله را روی زمین انداختی، پاسخ می‌دهد اگر من این کار را نکنم، شهر پاکیزه می‌شود؟ جواب منطقی این است که خیر با رعایت یک نفر شهر پاکیزه نمی‌شود و به همین راحتی فرد فرهنگساز در موضع ضعف قرار می‌گیرد و هنجارشکنی پشتوانه عقلانی می‌یابد.

امین رحیمی / جام‌جم